

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نظریه‌های شعر در قرن بیستم

(مجموعه مقالات)

www.ketab.ir



۵۷۱

مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

نظریه‌های شعر در قرن بیستم
تألیف و ترجمه دکتر علیرضا جعفری - مسعود فرهمندفر
دکتر لیلا ناصرخاکی - صالح طباطبایی - طه‌ورا آیتی - صادق حیدربکیان

ویراستار: فروغ کاظمی
حروف‌نگار و صفحه‌آرا: سمیرا دهقان
خطاط: امید هامونی
طراح جلد: آرمان خرمک
ناظر چاپ: صفر ممیزاد
چاپ اول: ۱۳۹۴
شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ ریال

ناشر: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

کلیه حقوق برای دانشگاه شهید بهشتی محفوظ است.

شماره کنگره: ۱۳۹۴ ن ۶ ج ۱۱۱ PN
شماره دیویی: ۱۳۹۴ ن ۴۶۲ ج ۸۰۸۱
پدیدآور(ان): جعفری، علیرضا، ۱۳۴۵-
فرهمندفر، مسعود

تألیف: ۱. دانشگاه شهید بهشتی. مرکز چاپ و انتشارات

عنوان: نظریه‌های شعر در قرن بیستم

فروست: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛ ۵۷۱

موضوع: ۱. شعر - قرن ۲۰م. - تاریخ و نقد. ۲. شعر - تاریخ و نقد.

۳. فیلسوفان - نظریه درباره شعر. ۴. فن شعر.

محل نشر: تهران

ناشر: دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات

سال نشر: ۱۳۹۴

شابک مجموعه: ۹۷۸۹۶۴۴۵۷۳۰۸۸

مشخصات ظاهری: مجده، ۲۱۴ ص: جدول

کد ناشر ۱۰۰۱۷۳۴

www.pub.sbu.ac.ir
unipress@mail.sbu.ac.ir

فهرست

هفت	مقدمه
۱	نخست: نظریه‌های شعر
۳	نویسندگان: لاق خیال‌پردازی
	زیگموند فروید ترجمه مسعود فرهمندفر
۱۳	بیانیه فنی ادبیات فوته بستی
	فیلیپو توماسو رینتی ترجمه مسعود فرهمندفر
۱۹	شعر به مثابه هنر گفتری
	ایمی لوئل ترجمه طه‌ورا آیتی
۲۹	درباره شعر
	ولیمیر خلیتیکف ترجمه مسعود فرهمندفر
۳۳	سنت و قریحه فردی
	تی.اس. الیوت ترجمه مسعود فرهمندفر
۴۳	شعر مدرن
	مینا لوی ترجمه طه‌ورا آیتی
۵۱	صناعتی که شعر می‌سازد
	رابرت فراست ترجمه صالح طباطبایی
۵۷	علم و شعر
	ای.ای. ریچاردز ترجمه صادق حیدربکیان
۷۱	یادداشت‌هایی در باب هنر شعر
	دیلن تامس ترجمه طه‌ورا آیتی
۸۱	شاعر و شهر
	ویستن هیو آدن ترجمه صادق حیدربکیان

- فرانک آهارا و «مکتب نیویورک» ۹۵
ترجمه مسعود فرهمندفر
- زبان شاعرانه، بوطیقای زبان ۹۹
ژرار ژنت ترجمه صالح طباطبایی
- آلن گینزبرگ و «نسل بیت» ۱۰۹
نشته مسعود فرهمندفر
- واژه‌ها و تجربه ۱۲۱
تد هیوز ترجمه دکتر لیلانصرخاکی
- رابرت پای و «اثر ژرف» ۱۳۰
نوشته مسعود فرهمندفر
- بخش دوم: گفتگوها ۱۳۶
- مصاحبه با سیلویا پلات ۱۳۸
ترجمه طهورا آیتی
- شعر به منزله بازی دانش ۱۴۶
ویستن هیو آدین ترجمه مسعود فرهمندفر
- گفتگوها ۱۵۲
ترجمه دکتر علیرضا جعفری
- چه کسی گوش می‌دهد؟ ۱۵۶
لورنا کروزی پر ترجمه دکتر علیرضا جعفری
- رویدادنامه (قرن بیستم) ۱۶۰
- کتاب‌شناسی برای مطالعه بیشتر ۱۸۴
- واژه‌نامه انگلیسی به فارسی ۲۰۳
- واژه‌نامه فارسی به انگلیسی ۲۰۷
- نمایه ۲۱۱

مقدمه

کتاب حاضر آغاز تلاشی است برای تمرکز بر حوزه‌ای مهم و کهن به نام بوطیقا؛ یکی از بنیادین‌ترین مؤلفه‌های ادبیات پرسش از خود. بوطیقا پرسش ادبیات و شعر از خود است. این پرسش برای ادبیات حیاتی است، چراکه مشروعیت آن - که مبتنی بر پایش و آزمایش - محضاً به لحظه هستی و امکانات زبانی و بیانی خود می‌باشد - در گرو همین پرسش از خود است. در این زمینه، ادبیات غرب تاریخی طولانی و دستاوردهایی بزرگ دارد. از شاعران، بدیش‌مان و فیلسوفان دوران باستان سخنانی پراکنده در زمینه شعروشاعری و بوطیقا به جای مانده، لیکن به‌طور کلی در اینکه افلاطون و آثار وی به‌گونه‌ای رسمی آغازگر بروز بوطیقا و - از منظری دیگر - نظریه و نقد ادبی است، کمتر کسی تردید دارد. در تعریف بوطیقا، به معنی بررسی دقیق و فنی ویژگی‌های هستی‌شناختی، جوهر، امکانات، اهداف و کارکردهای اجتماعی پدیده و نهادی به نام شعر است. بوطیقا در بُعد توصیفی خود می‌تواند آن‌چنان غش باشد چراکه هدف و دغدغه اصلی‌اش ایجاد شناخت و شفافیت است. اما در بُعد باید‌ها و نبایدهای خود - به‌طرزی متناقض‌نما - می‌تواند اسارت‌آور باشد، چراکه با وضع قوانین و ضوابطی سخت، دقیق و لازم‌الاجرا می‌کوشد بر دست‌وپای شعری که تابع چیزی غیر از قانون خود نیست، زنجیر بزند. شایان ذکر است که ریشه لاتین واژهٔ معرب بوطیقا یا 'poetics' 'poesis' به معنی تولید و آفرینش است، و بدین ترتیب با حوزهٔ اقتصاد در دو بعد عین و اعتبار تعاریف قرابتی انکارناپذیر پیدا می‌کند. این نزدیکی به حوزهٔ مهم و پیچیدهٔ اقتصاد، سبب تجارت‌آور و محدودکنندهٔ بوطیقا را برای ورود به حوزهٔ عمومی و اجتماعی برجسته و پُررنگ می‌نماید. همان‌طور که پیشتر ذکر شد، افلاطون - و البته پس از او ارسطو - را می‌توان نقطهٔ عزیمت اندیشهٔ بوطیقایی تلقی کرد. می‌توان افلاطون را در مقام نمایندهٔ بوطیقای تحدید (بخوانید تهدید)، و ارسطو را در مقام نمایندهٔ بوطیقای تکریم شعر به‌شمار آورد. افلاطون و ارسطو هر دو به‌جز مصلحت اجتماعی و اخلاقی چیز دیگری در سر نداشتند، اما هر یک به شیوهٔ خاص خود کار می‌کردند: اولی به دنبال ایجاد شناخت از شعر برای

مهار کردن، کنترل و کانالیزه کردن آن، و دومی در پی ایجاد آگاهی و شناخت از شعر به منظور آزاد کردن آن از بند کج‌فهمی‌ها و سوء تفاهم‌ها نسبت به آن. بررسی و تحلیل مفصل اندیشه‌های افلاطون و ارسطو از حوصلهٔ چنین پیشگفتار کوتاهی خارج است؛ خوانندهٔ علاقه‌مند می‌تواند با مراجعه به صدها کتاب، مقاله و رساله در این باره، این بحث را به راحتی خارج از محدودهٔ کتاب پیش رو پی بگیرد. (کتاب‌شناسی پایان کتاب منابع مهم و ارزشمندی را در حوزهٔ شعرشناسی پیش روی خوانندهٔ علاقه‌مند و پژوهنده می‌گذارد.)^۱

اگر وره‌ای را که به رنسانس مشهور است، نقطهٔ شروع دوران مدرن بدانیم به خطا نرفته‌ایم، زیرا مهم‌ترین ویژگی دوران مدرن روحیهٔ پرسشگری و به چالش کشیدن همه چیز است و ما محور این پرسشگری بی‌تعارف و گاه بی‌رحمانه را در عصر رنسانس، و با سرعتی هر چه بیشتر در قرن هفده و هجده، به روشنی می‌بینیم. بوطیقای شعر هم از این قاعده مستثنی نیست و به خوبی می‌بینیم که این بوطیقا با چه قدرت و شتاب مضاعفی در این دوره ظاهر می‌شود، بسیاری از شاعران و منتقدان، با پیش کشیدن بحث‌های متنوعی همچون مسیق شعر و یا مسائل و مفاهیم مربوط به حوزهٔ عروض به بحث و بررسی چیستی و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی شعر می‌پردازند.^۲ درک این روند پر شتاب در قلمرو وسیع تر و کلی افسون‌رایی مدرن آسان تر می‌گردد؛ پی بردن به راز و

۱. البته کتاب‌شناسی گردآوری شده منحصر به آثار قرن بیستم نیست و سعی شده که بهترین آثار مکتوب در این حوزه (در دوران مختلف) معرفی شود.

2. John Birchensa's *Templum Musicum: or the Musical Synopsis, of the Learned and Famous Johannes Henricus-Alstedius, Being a Compendium of the Rudiments both of the Mathematical and Practical Part of Musick*, London, 1664; William Holder's *Elements of Speech: An Essay of Inquiry into the Natural Production of Letters*, London, 1669; Charles Avison's *An Essay on Musical Expression*, London, 1753; Dr John Brown's *A Dissertation on the Rise, Union, and Power, the Progressions, Separations, and Corruptions, of Poetry and Music. To Which Is Prefaced, The Cure of Saul, a Sacred Ode*, London, 1763; Thomas Leland's *A Dissertation on the Principles of Human Eloquence*, London, 1774; Sir William Jones's *Poems, Consisting Chiefly of Translations from Asiatick Languages, to which are Added Two Essays, I. On the Poetry of the Eastern Nations, II. On the Arts, Commonly Called Imitative*, Oxford, 1772; Anselm Bayley's *The Alliance of Musick, Poetry, and Oratory*, London, 1789; William Mitford's *An Inquiry into the Principles of Harmony in Language, and of the Mechanism of Verse, Modern and Ancient*, London, 1804.

افسون‌زدایی از هر چیز ممکن از جمله شعر برای تعیین جایگاه آن در زندگی بشر، به‌ویژه در حوزه اجتماعی. مفهوم جایگاه از اهمیت بالایی برخوردار است، از این حیث که در دنیای مادی، عمل‌گرا و باورمند به اصالت فایده امروز، بایستی تکلیف هر چیز و هر کسی از این نظر مشخص باشد. اینجاست که استعاره اقتصاد برای درک هرچه بهتر این مسئله به یاری‌مان می‌آید، بدین مفهوم که تولید پدیده‌ای به نام شعر در اقتصاد کلی و روزمره بشر اصولاً دارای چه جایگاه و منزلتی است. بدین ترتیب بوطیقا - در این بُعد عمل‌گانه خرد - به ما می‌گوید آیا شعر در زندگی بشر می‌تواند جایی داشته باشد یا نه، رکنی دارد، آیا اصلی و محوری است یا ناچیز و حاشیه‌ای.

هر چه از دوران رنسانس به دوران معاصر نزدیک‌تر می‌شویم، تمرکز شاعران و منتقدان - به‌طور مستقیم و غیرمستقیم - در باب مسائل و مفاهیم مربوط به بوطیقا بیشتر و پررنگ‌تر می‌شود و اصولاً کمتر شاعری را می‌بینیم که به‌نحوی به مسئله چیستی و پس از آن به جایگاه شعر در زندگی بشر نپرداخته باشد. مطالعه دو کتاب گلچین نظرات شاعران درباره شعر^۱ و نیز مرهایی درباره شعر^۲، که قطره‌ای ناچیزند از دریای بیکران بوطیقا، اهمیت و حساسیت حوزه بوطیقا را در میان شاعران دوران اخیر در دنیای غرب نشان می‌دهد.

مباحث مربوط به بوطیقا معمولاً به دو گونه - بنیت می‌یابند: یکی در قالب چارچوب‌های انتقادی و تفسیری که مستقیماً به بحث‌های بوطیقایی می‌پردازند؛ و دیگری در دل خود آثار ادبی، از جمله شعر (که می‌توان آن را مهم‌ترین نامید)، داستان و نمایش‌نامه. در سنت بوطیقای غرب هر دوی این گونه‌ها فارغ از مشاهده هستند، در حالی که در ادبیات فارسی مباحث بوطیقایی بیشتر در آثار شاعران پنهان هستند و در نتیجه نیازمند شناسایی و نقد، اینکه چرا در سنت ایرانی نیاز به بحث‌های مستقیم حس

1. *The Routledge Anthology of Poets on Poets: Poetic Responses to English Poetry from Chaucer to Yeats*, edited by David Hopkins. London: Routledge, 2005.

2. *Poems on Poetry: The Mirror's Garland*, edited by Robert Wallace. New York: Dutton, 1965.

نمی‌شده خود موضوعی جداگانه و درخور تأمل است، اما می‌توان گفت که به‌طور کلی به‌دلیل نبود سنت نقد ادبی به مفهوم امروزی آن و نیز فقدان سنت نقد شعر، مفاهیم انتقادی و تخصصی مربوط به شعر مانند زبان ویژه شعر، چیستی شعر، فرایند آفرینش، مخاطب و جز آن، حوزه بوطیقا مورد غفلت بوده است. این گفته به‌هیچ‌وجه به این معنا نیست که شعر فارسی عاری از کاوش‌ها و چالش‌های بوطیقایی است؛ بلکه بر عکس، آنچه مورد نظر است این است که شاعران ایران زمین به این زمینه توجه خاص داشته‌اند اما عمدتاً آن را در قلمرو شعر خود مطرح نموده‌اند، و به دلیل نبود گفتمان نقد ادبی، اندیشه‌های بوطیقایی در قالب زبان انتقادی قوی و استوار به منصه ظهور نرسیده‌اند. البته در دو نواخت حرکت‌های ارزشمندی در راستای رسیدن به گفتمانی انتقادی در زمینه چیستی شعر نیز بیان‌های شناختی و معرفت‌شناختی شعر دیده می‌شود. از شریف‌ترین این حرکات تلاش‌های دکتر شفیع کدکنی است در زمینه زبان و موسیقی شعر. حرکت قبل توجه و ارزشمند دیگر کتابی است به قلم دکتر موسوی گرمارودی به نام کوشش و جانشین. در شعر که در سال ۱۳۹۱ منتشر گردید. ایشان در این کتاب، حرکتی ضروری را آغاز می‌کنند که در آن به آراء و اندیشه‌های شاعران ایران زمین درباره چیستی شعر و مسائل مربوط به شعر پرداخته می‌شود.

در سنت غرب، به‌ویژه در شعر انگلیس و آمریکا، به‌طور جدی به بوطیقا و چیستی شعر توجه شده و می‌شود، طوری که شعر شاعر امری پیش از آنکه به مسائل مربوط به دنیای انسانی بپردازد، به نقد زبان شعر و پرسش درباره اصالت زبان در شعر توجه می‌نماید. دلمشغولی‌های شاعران معروف به شاعران زبان^۱، در کنار مسائل دیگر، بیشتر از این جنس‌اند. پیش از معرفی کوتاه بخش‌های کتاب حاضر، به حال و آیه شعر چند شاعر انگلیسی و آمریکایی، با هدف آشنانمودن خواننده با جنس مسائل مورد توجه این شاعران، اشاره خواهد شد. مثال نخست شعری است به نام «شیشه» (Glass) به قلم شاعر آمریکایی، رابرت فرانسیس^۲:

واژه‌های شعر باید چون شیشه باشند
اما شیشه‌ای چنان ساده - ظریف که شکلش
هیچ نیست مگر شکل آنچه در اوست.

شیشه‌ای که فقط به نیت خود ساخته شود تهی است،
شکننده، و نهایت، بازیچه‌ای ونیزی،
شیشه‌ای با نقش‌های برجسته، شعر، یا نبودش را پنهان می‌کند.
باری به آن سوی واژه‌ها چشم دوخت، واژه‌ها باید پنجره باشند.
بهتر از هر چیز این است که واژه نامرئی شود.
شعر آن نیست که شاعر اندیشه می‌کند.

اگر چیزی به نام «امن» وجود نداشت
و اگر می‌شد شیشه، و عطر شیشه را حذف نمود،
خود شعر باقی می‌ماند. (Wallace & Tatam, 19)

این شعر اندیشه‌ای جز بیان مسائل مرتبط به شعر، خلق شعر و زبان شعر ندارد.
فرانسیس در این شعر تصویری رؤیایی و آرمانی از شعر را می‌نماید؛ رؤیا و آرمانی که
در آن شاهد وحدت مطلق شکل و محتوا هستیم، صوری که شعر به یک «تهی»، به یک
«هیچ» تبدیل می‌شود؛ پدیده‌ای که برای ارزش‌یافتن نیاز به ارجاع به یک یا نظام نشانه‌ای
دیگر ندارد، خودبسنده است و همین بس است. تصویر و استعاره شیشه‌ای پس که به هیچ
می‌ماند، به خوبی آرمان استقلال ماورایی (ماورای روزمرگی یا دنیای پدیده نامرئی) را در شعر
را می‌رساند.

در شعری دیگر به نام «زمینه مشترک» (A Common Ground)، دنیس لورنوو،
شاعر آمریکایی بریتانیایی الاصل، به گونه‌ای متفاوت آرمان خود را که به شعر پیشین
شباهت دارد، بیان می‌نماید:

"همه چیزهای دنیا باید از خود بگذرند تا خود شوند" (یاسترناک)

«زبانی متعارف» نه

سطحی بی جان

بلکه زبان نامتعارف بهشت،

زبانی که کاهنان با گدایان و زائران

به آن سخن می گویند:

تو هم نه با ما آنچه ویتمن

جاده

میان واقعیت و روح می نامید،

زبانی که

از خود می گذرد تا خود شود.

زبانی به مانند نور

که کوهها در پایان و آغاز روز،

در پهنه دره های سرد

با یکدیگر به آواز سخن می گویند. (همان، ۱۳۷۰-۱۳۷۱)

در این شعر نیز شاهد ارائه بوطیقای دیگری هستیم که بر اساس آن شاعر به دنبال زبانی عرفانی و فرادنیایی است که قابلیت بیان رازهای سربه مهر روح بشر را داشته باشد. با مراجعه به ویژگی هایی که لورتوو برای زبان شعر برمی شمرد، درمی یابیم که شعری که گوینده شعر در طلب آن است پایان دهنده جدایی و پیوند دهنده دنیای واقعیت و روح انسان است؛ از طرفی این شعر در ذات خود روشنی بخش زندگی است، حیات بخش است، و کوهها را به آواز می آورد. همان گونه که مشاهده می شود، این شعر نیز نقش شعر و جایگاه آن را در زندگی انسان بسیار خاص و مهم می داند طوری که رسیدن به نوع

خاصی از زبان را در شعر دستاوردی تعیین کننده در زندگی بشر قلمداد می‌نماید. سومین شعری که در اینجا می‌خوانیم از لورین نی‌دیکر^۱، شاعر آمریکایی، است و «کار شاعر» (Poet's Work) نام دارد:

پدر بزرگ
چنین پندم داد:
پیشه‌ای فراگیر

یاد گرفت
پشت میز نشینم
و موج‌ها را بویید

این کار
کارگاه ایجاز
بیکاری ندارد. (Hass, 426)

این شعر ناظر به یکی از مهم‌ترین موضوعات برای ادبیات به‌طور عام و شعر به‌طور خاص است: اینکه آیا اصولاً شعر و شاعری را می‌توان کار قلمداد نمود یا نه. در میان عموم مردم دنیا تصور غالب این است که شاعری یا فدایی سرگشته است یا کاری غیرلازم و یا حتی اتلاف وقت. از منظر آنان، بشر کارهای بسیار مهم‌تری برای انجام دادن دارد. بعد از رئسانس اروپایی در عالم غرب و سیطره عقل سرمایه داری، شعر خود را از هر وقت دیگری غریب‌تر و شکسته‌بال‌تر دید و بدین سبب شاعران بیش‌ازپیش بر آن شدند تا به تبیین اهمیت و جایگاه شعر در زندگی انسان بپردازند. شعر نی‌دیکر نمونه خوب چنین تلاشی برای روشن نمودن وضعیت و نیز اهمیت شعر در

1. Lorine Niedecker (1903-1970)

زندگی بشر است. «کار شاعر» حاشیه‌ای است هوشمندانه به بنیان‌های بیمار نظام سیاسی-اقتصادی سرمایه‌داری که مدعی در اختیار داشتن سازوکارهای فوق‌العاده برای استفاده بهتر از هر گونه امکانات یا منابع طبیعی و انسانی است، اما در واقع دارای ایرادهای جدی است. یکی از ایرادهای اساسی این نظام بیمار ناتوانی در ارائه راه‌حل یا راه‌حل‌هایی کاری و مؤثر برای معضلی به‌نام بیکاری است، که شعر با ظرافت بدان اشاره دارد.

من رسته کردن شعر به منزله کاری بس مهم، با چرخشی استادانه به این نتیجه می‌رسیم که شعر نه تنها کاری سترگ است بلکه کاری است که سایه شوم بیکاری بر سرش نیست. ادام‌العمر است. توجه به ریشه واژه poetry که poesis به معنی ساختن و تولید ادب زیبا و پنهانی را از تقابل دو نظام اقتصادی شعر و سرمایه‌داری آشکار می‌نماید؛ اگر به چ زی بتوان نام «کار» را اطلاق کرد، آن «شعر» است که کارش تولید زیبایی و اندیشه‌های مفصلی است. در ظل این مباحث، «کار شاعر» به موضوع مهم دیگری نیز نظر دارد. تفاوت میان زبان شعر و زبان نظام سرمایه‌داری که اصولاً برای شعر ارزشی قائل نیست مگر اینکه نوعی نفع مادی در آن باشد. در اولی واژه‌ها با وسواس و دقت هرچه تمام‌تر و نیروی برای ایجاد بیشترین تأثیر انتخاب می‌شوند. آرمان شعر استفاده درست از زبان برای بیان حقیقت است و این رسالت اصلی واژه‌هاست. در حالی که در نظام صرفاً مادی، واژه در حکم مهره‌ها یا ابزارهایی‌اند که به نیت سود مادی سرمایه‌گذاری و مصرف می‌شوند. این همه، می‌بینیم در فضایی چنین کوچک و تنگ، چه سخنان مهمی در شعر نی دیگر نشانه می‌شود. سه شعری که به‌اختصار به آن‌ها پرداخته شد، نمونه‌هایی بودند از تلاشی شاعران و آگاهانه در میان شاعران برای تبیین نقش شعر و شاعری در زندگی بشر، و اینکه شعر صرفاً کاری است که در آن می‌توان به بااهمیت‌ترین و ضروری‌ترین مسائل و مفاهیم انسانی پرداخت.

کتاب حاضر گلچینی از مهم‌ترین مقالات درباره شعر و ویژگی‌های مختلف آن است. البته در برخی از موارد ممکن است نه صرف شعر بلکه کلیت ادبیات منظور نظر نویسنده باشد که این نیز البته در راستای اهداف این کتاب برای تشریح مفهوم کلی بوطیقا در ادبیات است. این کتاب حرکتی نو و در نوع خود کم‌نظیر در جهت شناساندن

نوشته‌های مهم به قلم شاعران و منتقدان بزرگ راجع به حوزه بااهمیت شعرشناسی است. تلاش شده با ارائه طیفی از سخنان متنوع از اندیشمندان و شاعران مختلف، خواننده با مهم‌ترین مفاهیم در حوزه بوطیقا آشنا شود و خود راجع به آن‌ها بیندیشد و به داوری بنشیند.

نخستین نوشته متعلق به مشهورترین چهره در حوزه روان‌شناسی معاصر زیگموند فروید است. از دستاوردهای بزرگ وی در حوزه ادبیات خوانش‌های نوینی است که از آثار ادبی مختلف جهان ارائه داده است. در این مجال اندک نه می‌توانیم و نه لازم است که به نظریات روان‌شناختی نو و ربط آن‌ها به آثار ادبی بپردازیم. مقاله «نویسندگان خلاق و خیال‌پردازی» با نثری یاد موضوعی مهم را مطرح می‌کند؛ فروید در این مقاله بیش از آنکه به چیستی شعر، بوه کلامی شعر، و رمز و رازهای زبان شعر یا اصولاً هر اثر ادبی بپردازد، بر آشکارسازی «گیرهای نویسندگان» تأکید می‌ورزد. در نظر فروید، اصولاً نوشتن یعنی نشان دادن و ناخرسندی ناشی از ارضانشدن هوس‌ها و آرزوهای پنهان و سرکوب‌شده فرد. شعر یا نوشته ادبی، به‌باور فروید، راه و روشی است مقبول از نظر اجتماعی، برای بیان و نهایتاً بهیر و التیام در غای پنهانی که هنر به آن‌ها فرصت نمودارشدن می‌دهد. به دیگر سخن، اثر ادبی، عنصری امتداد بازی‌های دوران کودکی برای راضی‌نمودن و خرسندی نفس (ego) است.

در مورد مارینتی باید گفت با اندیشمندی مواجهیم که برای رسیدن به نتیجه دلخواه با هیچ‌چیز و هیچ‌کسی تعارف ندارد و هیچ مفهوم و یا سنتی برایش مقدس نیست. مارینتی از معدود اندیشمندان و منتقدان هوشمند دهه‌های آغازین سده بیستم میلادی بود که شناختی ژرف و درست از زمانه خود داشت و سمت و سوی حرکت دوران خود را به‌سمت آینده درک کرده بود. او به این درک مهم دست یافته بود که عامل اصلی تغییر حال، و پدیده تعیین‌کننده فردا، فناوری است و نه چیز دیگر. شتاب و سرعت سرگیجه‌آور فناوری و ماشین او را از طرفی نگران می‌کرد و از طرفی به وی انرژی و انگیزه مضاعف می‌بخشید تا تعریف و تصویری تازه و حیرت‌آور از ادبیات و هنر ارائه دهد. او معتقد بود که ادبیات باید هم‌پای فناوری حرکت کند. روش و منش او رفتار منجی‌ای را به یاد می‌آورد که می‌خواست مردمان رخت‌زده زمانه خود را از ظلمت جهل به‌سوی روشنایی

فناورانه رهنمون شود.^۱ او سرآغاز شکافتن سقف فلک و درآنداختن طرحی نو در ادبیات را در نابودی «نحو» در زبان ادبی می‌دید و نویسندگان و شاعران را به انجام این مهم تشویق می‌کرد: بیان مسائل دنیایی نو (دنیای قشنگ نو) زبانی نو طلب می‌کند، زبانی با دستور زبانی نو و متحول‌شده.

بوطیق‌ای ایمنی لوئل مرزبندی میان دو نوع بوطیق‌ای اصلی را در شعر و ادبیات نشان می‌دهد: بوطیق‌ایی که دیداری است و بنیان‌های معرفت‌شناختی‌اش بر چشم و دیدن استوار است؛ و بوطیق‌ای شنیداری که به گوش و شنیدن بها می‌دهد و راه وصول به حقیقت را از این طریق امکان‌پذیر می‌داند. (البته، آغاز رویارویی این دو سنت در عالم شعر و ادب حداقل به افلاطون برمی‌گردد.) به هر روی، لوئل بر این باور بود که شعر هنری است نه دیداری و از نظر جوهری پیوندی ناگسستنی با گوش و شنیدن دارد. شعر تجربه‌ای شنیداری است و شعرانی که به این مهم بی‌اعتنا بوده و از موسیقی غافل بمانند، در واقع شعر نیست. او مانند بسیاری از شاعران دیگر معتقد است که صنعت چاپ و فرهنگ کاغذی لطیفه‌ای جبرین‌ناپذیر بر پیکر شعر وارد آورده و رسالت شاعر امروز یادآوری اهمیت گوش و مبارزه با معاشی مبتنی بر چشم است که بُردی فراتر از شناختی ظاهری ندارد.

خلینیکف نیز به گونه‌ای دیگر سخنان و دیدگاه لوئل را درباره شعر و جایگاه موسیقی و گوش در آن تأیید و تکرار می‌کند و اضافه می‌کند که شعر کیفیتی جادویی دارد و از جهاتی قابل تشبیه به دعا می‌باشد؛ از آن جهت که در آن تمام واژه‌ها را نمی‌توان فهمید، اما این واژه‌ها کاری را که باید، انجام می‌دهند و تأثیری را که باید، می‌گذارند. از چنین دیدگاهی، دشواری شعر دیگر مسئله مهمی نیست چرا که رویکرد به شعر دیگر رویکردی عقلانی - یا عقلانی صرف - نیست، بلکه شعر تجربه‌ای است که در آن واژه‌ها بر روح شنونده یا مخاطب تأثیر می‌گذارند.

و اما درباره مقاله «سنت و قریحه فردی» الیوت به حدی قلم‌فرسایی شده است که نیاز به تکرار مکررات حس نمی‌شود، ذکر این نکته کفایت می‌کند که در پس تقابل

۱. برای مثال، استعاره روشنائی و ظلمت در پیوند با فناوری را در نمایشنامه دکتر فاستوس چراغ را می‌فروزد به قلم گرتروود استاین می‌بینیم.

میان سنت و قریحه فردی در مقاله الیوت نوعی نگرانی و دغدغه فرهنگی مشهود است، به این معنا که الیوت، در قالب طرح این تقابل، هراس خود را از این احتمال نشان می‌دهد که شاعری که بیش از حد بر فردیت خود پا می‌فشارد - البته اگر اصولاً و در دیدی کلی چنین اصراری محلی از اعتبار داشته باشد - تهدیدی است برای نظم و سنتی کهن که به او به ارث رسیده است. شاعر باید حضور و وجود خود را در نسبت با این میراث به گونه‌ای تعریف نماید که تعاملی سازنده بین این دو برقرار شود. در میل به ایجاد تغییر و تحول در نظم و سنت کهن ادبی ایرادی وجود ندارد، مادامی که این تغییر - جبر نابودی کامل این نظم نشود. از این منظر، رسالت شاعر چیزی نیست مگر بهبود آنچه هست، نه آفرینش آنچه قبلاً وجود نداشته. اینجاست که شعار مشهور شاعران مدرنیست، یعنی «Make It New» معنایی دیگر پیدا می‌کند.

در مقاله کوتاه رابرت فرست - سائل بسیار مهمی، هم در مورد محتوا و هم در مورد شکل و زبان، مطرح شده است. البته مقاله آن چنان هم خالی از ابهام نیست، اما آنچه می‌توان درباره آن در اینجا عنوان نمود این است که به زعم فراست، صوت و موسیقی در شعر دارای نقشی کلیدی و محوری هستند. شاعر باید از اهمیت موسیقی شعر کاملاً آگاه باشد، و نیز باید تمامی امکانات خود را به کار برد. موسیقی جادویی یا به قول فراست، «طلایی» شعر محقق شود. فراست به همراهی مدت و خط، در شعر معتقد است و چنین می‌پندارد که شعر واحه‌ای است در لحظات سرگیجه‌آور و تاریک، بار از ابهام.

آی. ریچاردز بی‌شک یکی از مهم‌ترین چهره‌های نظریه ادبی و نظریه شعر در دوران اخیر است. او در نوشته‌های بسیار و با زبان و بیان خاص خود، کوشید به تعریفی قابل قبول و عملی از شعر دست یابد. درست یا نادرست، خوب یا بد، نظرات ریچاردز درباره شعر را نمی‌توان نادیده گرفت؛ نظراتی که تأثیر بسیار بزرگی بر اندیشه شعری معاصر داشته‌اند. اگر بخواهیم نظرات وی درباره شعر را خلاصه کنیم، می‌توانیم بگوییم که از نظر ریچاردز، عقلانیت و اندیشه تجریدی و فلسفی جایگاه رفیعی در شعر ندارند. او معتقد است که آن‌هایی که صرفاً درگیر سیر اندیشه و دنیای معنایی شعر می‌شوند اصل شعر را از دست می‌دهند. به باور وی، شعر موفق شعری است که به کسب تعادل روانی خواننده یا مخاطب خود منجر شود، و سیر اندیشه و محتوای تجریدی در شعر

غیر از وسیله چیز دیگری نیست. کوتاه اینکه شعر، بیش از آنکه تجربه‌ای فکری یا عقلانی باشد، تجربه‌ای حسی و روحی- روانی است.

دیلن تامس نمونه بسیار خوبی برای به‌نمایش گذاشتن نظرات ریچاردز در باب شعر است، به این معنا که تامس در عمل نشان می‌دهد که برای او نیز شعر تجربه‌ای است حسی (در پیوند محکم با حواس پنجگانه) و عاطفی- روانی. تامس به ارائه تعاریف متعارف از شعر اعتقادی ندارد و چنین می‌اندیشد که کار شاعر نمایان‌ساختن ریاضی پنهان ذهن ناخودآگاه توسط شاعر است.

آدن از شاعران بزرگی است که دوره‌های شعری متفاوتی را تجربه کرد. او همیشه حرف‌های جالب موزنده زیادی راجع به شعر دارد. یکی از مسائل مورد توجه او جایگاه شعر در نظام سیاسی- اجتماعی است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که در مقاله آدن به این مسئله پرداخته می‌شود که در جامعه‌ای که ایمان به باورهای ریشه‌ای و بنیادین از دست رفته و ماشین و فناوری بر زندگی مردمان مستولی شده، شعر نسیمی است از آزادی و نوعی نگاه احتمالی دیگر. زندگی، زبان شعر تنها امید انسان برای چیره‌شدن بر زبان ماشین است.

چهره‌های برجسته دیگر در کتاب حاضر هر یک به زبان ویژه خود به ارائه تصویر و تعریفی از شعر و چیستی آن می‌پردازند. سخن را بر شاعران و منتقدان دارای اهمیت خاصی است چراکه هر یک از مسیری منحصر به فرد و انفرادی شعر و شعرشناسی گام نهاده‌اند و می‌کوشند پرسشی از پرسش‌های مهم دنیای شعر را مطرح نمایند.

ترجمه اکثر مقالات و ارائه آن‌ها در چنین مجموعه‌ای در کتاب حاضر برای نخستین بار انجام شده و امید است خوانندگان علاقه‌مند به شعر و ادبیات غربی از مباحث مطرح‌شده توسط شاعران و منتقدان نامدار عالم شعر بهره‌ای برند و نتیجه‌ای بردارند و با راهنمایی‌های سخاوتمندانه خویش به بهتر شدن این پروژه در چاپ‌های احتمالی در آینده کمک نمایند.

علیرضا جعفری

۱۳۹۴